

دکتر تورج دریایی در سال ۱۳۴۶ در تهران متولد شد و دوره تحصیلات دبستان و متوسطه خود را در ایران و یونان انجام داد. پس از آن دوره دانشگاه خود را در ایالات متحده آغاز کرد و دکترای خود را در رشته تاریخ و زبانهای ایران باستان در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس (UCLA) دریافت کرد. در همان سال کرسی تاریخ و فرهنگ دنیای باستان دانشگاه ایالتی کالیفرنیا را در دست گرفت و در حال حاضر مشغول تدریس تاریخ ایران، بین‌النهرین، یونان و روم است.

### زن در ایران باستان

مطالعات در رابطه با موقعیت و زندگی زنان در یونان، روم و مصر در دوره باستان توسط دانشمندان اروپایی بسیار ثمربخش و حاصل صدها مقاله و دهها کتاب می‌باشد و این در صورتی است که در رابطه با موقعیت زنان در ایران باستان کمتر کاری انجام گرفته. اولین مقالاتی که در رابطه با زنان ایران باستان نوشته شد توسط دانشمندان اروپایی قرن نوزدهم با استفاده از متون یونانی و لاتین بود که به زنان دربار هخامنشی مختص می‌شد. سپس متون بابلی در بین‌النهرین نیز که در زمانی در زیر سلطه هخامنشیان می‌بود به این اسناد افزود. با این وجود متون یونان مدارک اصلی این تحقیقات را تشکیل می‌دادند. اشکالات این متون که بیشتر دیدی آتنی<sup>۱</sup> به مسائل مربوط به زنان دارند اینست که نگاهی نژادپرستانه یا بهتر می‌توان گفت آتن‌پرستانه داشته و در نتیجه دیدگاهی منفی در رابطه با زنان ایرانی را در بر دارند. این نگاه منفی تنها مختص به زنان ایرانی نبوده بلکه شامل زنان شهر اسپارتر<sup>۲</sup> نیز می‌شد. دلیل این نگاه منفی اثر تضاد نقش زن در آتن با زنان دیگر جوامع می‌باشد. در شهر آتن هر نوع مشارکت میان زن و مرد غریبه غیراخلاقی و مورد سوءظن واقع می‌شد. زنان آتنی تا آنجا که ممکن بوده می‌بایستی در خانه می‌ماندند و از معاشرت با غربیان دوری می‌کردند. این وسواس آتنی‌ها در مورد برحذر کردن زنان از معاشرت با مردان غریبه ریشه در تهمت زدن که سنتی رایج می‌بود دارد که به گفته

منابع یونانی خانمان برانداز می‌بوده. آتنیان ترس از این داشتند که خارج شدن زن تنها از خانه به منظور خرید یا مورد دیگر و صحبت با مردی غریبه منجر به شایعه پراکنی درباره او و خانواده او می‌شود و دامان آنها را برای همیشه ننگین می‌کند.

برای همین نیز مردان در مهمانی‌های خانگی زنان خود را پنهان می‌کردند و در عوض از روسپیان گران‌قیمت<sup>۳</sup> دعوت به عمل می‌آوردند که در این مجالس حضور یابند. در زمانی که مردان در مکانی خارج از خانه تجمع می‌کردند در عوض با روسپیان معمولی<sup>۴</sup> هم‌نشینی می‌کردند. پس در این جامعه بسته هر نوع رابطه میان یک مرد و زن ناآشنا به صورت مسئله فاحشگی زن مطرح شده و خانواده زن را برای همیشه آزار می‌داد. به همین دلیل برای آتنیان، زنان شهر اسپارتا که به کارهای بسیاری دست می‌زدند و یا زنان دربار هخامنشی که قدرت بسیاری داشتند مورد سوءظن قرار گرفته و نگاهی منفی به آنها می‌شده.

چهار سال پیش کتابی به چاپ رسید که بسیاری از اشتباهات متون یونانی را برطرف کرد و نه تنها با استفاده از متون بابلی بلکه متون ایلامی مدارک مهمی درباره اوضاع اقتصادی زنان ایرانی به ما داد. نام این کتاب «زن در ایران باستان»<sup>۵</sup> می‌باشد که البته نگاهی به دوره هخامنشی است. این کتاب نکات بسیار مهمی درباره کارکرد زنان، بخصوص درباره مادر، زن، دختر شاه و زنان حرم شاه به ما می‌دهد. فصل دوم کتاب درباره کارکرد زنان در این دوره برای قدرتمند نگاه داشتن شاهنشاهی هخامنشی که از طریق رد و بدل دختران پادشاهان با یکدیگر انجام می‌گرفته می‌باشد. فصل سوم درباره زنانی است که خارج از دربار می‌زیسته‌اند و با استفاده از متون ایلامی قدرت اقتصادی آنها را نمایان کرده.

برای دوره سلوکی و اشکانی کم‌ترکاری انجام شده ولی درباره زنان ایرانی در دوره ساسانی چندین کار مهم انجام گرفته که جدیدترین آنها مقاله ایست توسط جنی رز<sup>۶</sup> که به طور کلی اوضاع زنان را مدنظر قرار داده و به نظر من بهترین متنی است که می‌توان برای دانشجویان سال اول دانشگاه از آن استفاده کرد.<sup>۷</sup> اهمیت این مقاله از آنجاست که نشان دهنده چگونگی استفاده از متون غیرکتبی برای نوشتن تاریخ و مطالعه درباره دوره باستان است. با استفاده از سکه‌ها، سنگتراشها و اشیاء دیگر، نویسنده نشان داده که تا چه اندازه می‌توان هویت و مکان زن را در این دوره شناخت. اگر شخصی فقط به متون پهلوی مراجعه کند و بخواهد هویت زن را در آن بازیابد بطور حتم اشتباه خواهد کرد، چون اولاً متون پهلوی نوشته مردانی می‌باشد که روحانی هستند و مخاطبشان بیشتر مردان می‌باشد.

دوماً این کتب نگاهی مذهبی به وجود زن و هویت او دارند که در مذهب و باورهای دینی زرتشتیان خلاصه شده. خطر اینجاست که ما فکر کنیم که این متون درباره اوضاع حقیقی یا آنچه



دکتر تورج دریایی (عکس از علی دهباشی)

واقعاً بر سر زنان می‌گذشته می‌باشند. این متون حاوی نگاهی ایده‌آل و آنچه یک روحانی انتظار از زن دارد می‌باشد و دیدی از یک طبقه بخصوص به جامعه است. این نگاه ایده‌آل بطور حتم با زندگی و نقش روزمره زنان فرقهایی داشته که این متون آنها را نمی‌توانند به ما نشان دهند. سوماً این متون نمی‌توانند فرقهایی که مابین طبقات جامعه و کارکرد متفاوت هر زن در این طبقات را به ما نشان دهند بخصوص در دوره ساسانی که طبقه تعیین کننده بسیاری از آزادی‌ها و اصول آداب و معاشرت در جامعه بوده.

اکثر منابع مربوط به دوران ساسانی متون خارجی هستند که گاهی نیز با ایران ضدیت دارند و من معتقدم که زمان اسارت تاریخدانان توسط متن کتبی به پایان رسیده و حال زمان آنست که از اشیاء بازمانده مانند: سکه‌ها، مهرها، سفالها، ظروف نقره، سنگتراشها و مجسمه‌ها برای بازنویسی تاریخ ایران استفاده کرد.

آقای جوزف ویسهوفر یکی از تاریخدانانی هستند که برای اولین بار در دهه نود میلادی تاریخ ایران باستان را با استفاده از متون ایرانی و اشیاء بازمانده زیر عنوان «ایران باستان»<sup>۸</sup> به تحریر درآورده‌اند. این کار برای ایران بسیار مهم می‌باشد چون همانطور که قبلاً ذکر شد منابع اصلی استفاده شده برای تاریخ ایران کلاً متون خارجی هستند که با ایران ضدیت دارند.

مقاله خانم رز درباره قوانین مادی و انواع ازدواج از جمله خویدوده<sup>۹</sup> (ازدواج با نزدیکان) که

در ایران باستان، ایلام، مصر، و چند تمدن دیگر مرسوم می‌بوده نیز سخن می‌گوید. این قسمت از کار خانم رزکمی ضعیف می‌باشد چون تاکنون مقاله‌های مهمی در این باره و قوانین زنان نوشته شده که در این مقاله استفاده نشده (در آخر این مقاله چند کتاب و مقاله را که برای مطالعه اوضاع زنان مفید می‌باشند عنوان خواهیم کرد). درباره قوانین مادی در زمان ساسانی، شروع آن را مدیون کار مهم مرحوم باتلومه هستیم که کتاب «زن در قوانین ساسانی»<sup>۱۰</sup> او اولین گام مهم برای شناخت متون قانونی بخصوص کتاب مدیگان هزار دادستان بود<sup>۱۱</sup> از آن زمان چندین مقاله مهم در این باره به چاپ رسیده که برای هر که در این مورد تحقیق می‌کند استفاده از آنها اجباری می‌باشد.

در پایان باید گفت با اینکه این مطالعات ارزنده به چاپ رسیده‌اند، هنوز جای بسیار هست که مطالعاتی درباره اوضاع زنان و حقوق زن در ایران باستان انجام شود. این مطالعات نه تنها باید بر حسب متون کتبی بلکه با کمک از تمام اشیاء بازمانده نیز انجام گیرد تا بتوان وضعیت زنان ایرانی را در دوره باستانی و بعد از آن بهتر شناخت.

1- Athenian

2- Sparta

3- hetaira

4- Pornai

5- M. Brosius, *Women in Ancient Persia (559 - 331 BC)*, Oxford University Press, 1996.

6- Jenny Rose

7- "Three Queens, Two Wives, and A Goddess: Roles and Images of Women in Sasanian Iran," *Women in the Medieval Islamic World: Power, Patronage and Piety*, ed. G. R. G. Hambly, St. Martin's Press, New York, 1998.

8- J. Weisshöfer, *Ancient Persia*, I. B. Tauris, 1998.

9- Wëdodäh

10- Ch, Bartholomae, *Die Frau im Sasanidischen Rocht*, Carl Winter, Heidelberg, 1924.

### به انگلیسی

11- *Madiyān Ī hazār dādestān; The Book of a Thousand Judgments: A Sasanian law - Book*, translated by N. Garsoian, Costa Mesa, Mazda, 1997.

## به آلمانی

M. Macuch, Das Sasani dische Rechtsbuch "Matakdan i hazar datistan, vol. 2, Berlin, Deutsche Morgenlandische Gesellschaft, Wiesbaden, Mommissionsverlag F. Steiner, 1981.

M. Macuch, Rechtskasuistik und Gerischspraxis zu Beginn des siebenten Jahrhunderts in Iran: die Rechtssammlung des Farrohwardi Wahrmanan, Harassowitz, Wiesbaden, 1993.

## به روسی

A. Perikhanian, Sasanidskii sudebnik; Kniga tysiachi sudebnykh reshenii, Erevan, Armianskoi SSR, 1973.

## قوانین مادی

C. Herrenschildt, "Le xwetodas ou mariage <<incestueux>> en Iran ancien," Epouser au Plus proche, ed. P. Bonte, CNRS, Paris, 1994, pp. 113-128.

B. Hjerrild, "Ayökën: Women between Father and Husband in Sasanian Era," Medioiranica, ed. Skalmowski, Peeters, Leuven, 1993. pp. 79-86.

M. Shaki, "The Concept of Obligated Successorship in the Mädiyän Hazār Dādestān, " in Hommages et Opera Minora, Monumentum H. S. Nyberg, ii, E. J. Brill, 1975, pp. 227-242.

M. Shaki, "The Sasanian Matrimonial Relations," Archiv Orientalni, vol. 55, 1971.

N. Safa - Isfehāni, Rivāyat - ī Hēmīt-ī Ashawasishtān: A Study in Zoroastrian Law, Harvard Iranian Series, 1980.

## مهرها

Ph. Gignoux and R. Gyselen, Sceau sasanides de diverses collections privees, Leuven, Peeters, 1982.

Ph. Gignoux and R. Gyselen, Bulles et sceaux sassanides de diverses collections, Association pour L'Avancement des Etudes Iraniennes, 1987.

Ph. Gignoux, "Les collections de sceaux et de bulles sassanides de la Bibliothèque Nationale de Paris," *La Persia nel Medioevo*, Rome, 1971, pp. 535-544.

## ظروف

P. O. Harper, "Sources of Certain Female Representations in Sasanian Art," *La Persia Nel medioevo*, Accademia Nazionale Die Linci, Rome, 1971.

P. O. Harper, *The royal hunter; art of the Sasanian Empire*, Asia Society, New York, 1978.

P. O. Harper, *Silver vessels of the Sasanian period*, Metropolitan Museum of Art, Princeton University Press, New York, 1981.

M. Bayani, *Studies on the Numismatics of Puran Dukht, the Sassanian Queen*, "Journal of the Regional Cultural institute, 2.2, 1969, 117-121.

J. K. Choksy, "A Sasanian Monarch, his Queen, Crown Prince, and Deities: The Coinage of Wahram II," *American Journal of Numismatics*, 1989, pp.

E. Drouin, "Monnaie de Borān reine sasanide," *Revue Numismatique*, 11, 1893, pp. 167-175.

R. Göbl, *Sasanian Numismatics*, Braunschweig, Lkinkhardt, 1971.

H. M. Malek and V. S. Curtis, *History and Coinage of the Sasanian Queen Boran (AD 629-631)*, "The Numismatic Chronicle, vol. 158, 1998, pp. 113-129

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سنگنگارها / سنگتراشها  
رتال جامع علوم انسانی

R. Ghirshaman, *Iran, Parthes et Sassanides*, Gallimard, Paris, 1962.

G. Herrmann, *The Sasanian Rock Reliefs at Naqsh-i Rostam*, 6, *Iranische Denkmäler*, Lief. 13, Reihe II, Berling, 1989.

W. Hinz, *Altiranische Funde und Forschungen*, de Gruyter, Berling, 1969.

L. Vanden Berghe, *Reliefs rupestres de l'Iran ancien*, *Musees Royaux d'art et d'histoire*, Bruxelles, 1983-84.